

دعای عرفه؛ لحظه لقاءالله

مقابل تو ایستادند و شروع کردند تو را تملق کردن و با تو عشق‌بازی کردن. هم خواسته‌شان را به توی خدا گفتند و هم از توی خدا طلب کردند و هم بندگی‌شان را به درگاه تو عرضه داشتند.

سیدالشهدا(ع) در دعای عرفه می‌فرمایند: «یا من أذاق أحبائه حلاوة المؤمنة فقاموا بين يديه متملقين.» (ای خدایی که به دوستان شیرینی ارتباط و انس گرفتن با خودت را چشاندی و این‌ها



و خصصتنا بهذه النعمة فصل على مولانا و سيدنا صاحب الزمان و اجعلنا من أنصاره و أعوانه و الذابین عنه و المستشهدین بین یدیه طائعين غير مكرهين في الصف الذي نعت أهله في كتابك كأنهم بنیان مرصوص على طاعتك و طاعة رسولك و آله عليهم السلام. اللهم هذه بيعة له في اعناقنا الى يوم القيامة. عباد الله، اوصيكم و اوصى نفسي بتقوى الله.

همة شما برادران و خواهران و خودم را به تقوای الهی سفارش می‌کنم.

البشر من الضلالة والعمى. اللهم بلغ مولانا صاحب الزمان صلوات الله عليه عن جميع المؤمنين و المؤمنين في مشارق الارض و مغاربها سهلها و جبلها و برّها و بحرها حيّهم و ميّتهم و عتّا و عن والدينا من الصلوات و التحيات زنة عرش الله و مداد كلماته و منتهى رضاه و عدد ما أحصاه كتابه و أحاط به علمه.

اللهم إنا نجدد له في هذا اليوم و في كل يوم عهداً و عقداً و بيعة له في رقابنا. اللهم كما شرفتنا بهذا التشريف و فضلتنا بهذه الفضيلة



«الحمد لله المتفرد بالكبريا و أشهد أنه المتوحد بتدبير الارض و السماء و أشهد أن محمداً رحمة للواء و أكمل الكملاء و أفضل السفراء و خاتم الأنبياء و أشهد أن أمير المؤمنين على ابن أبي طالب و أولاده المعصومين هم المحجة البيضاء و منقذ

زندگی دنیا کانون آرزوست

جوانی که آرزوی زندگی، قدرت، ثروت و مقام دارد، وقتی به این نقطه می‌رسد، می‌بیند آن قدر که فکر می‌کرد، این‌ها مهم نبود. به پول رسیده؛ اما باز دنبال افزون طلبی است و هرچه در جهت افزون طلبی بیشتر فعالیت می‌کند، آرام نمی‌گیرد و آرامش پیدا نمی‌کند. کسی که آرزوی مقام داشته، وقتی به مقام می‌رسد، می‌بیند اشتباه می‌کرده و این مقام جز دردسر و پریشانی چیز دیگری ندارد. پس این فرد در تشخیص آرزویش اشتباه کرده است.

.....
۱. کشف، ۱۱۰.

فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا^۱ برای فهم جمله اولی که خداوند در این آیه می‌فرماید: «أَنْتُمْ إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ»، به این مقدمه توجه کنید:

زندگی انسان در دنیا کانون آرزوست. انسان در این عالم، زنده به آرزو و امید است؛ اما اشتباه بشر در تشخیص آن نقطه‌ای است که آن را هدف بگیرد و آرزو و امید خودش را به آن نقطه توجه بدهد. جوان در ابتدای جوانی در فکر خودش آن نقطه آرزو و امید را می‌پروراند. ساختن کاخ‌های افسانه‌ای در فکر جوان درباره زندگی، از خصوصیات و عوارض دوره جوانی است.



«کلام ما در خطبه اول در موضوع تقوای عملی بود. فردا روز عرفه است و با توجه به حساسیت امشب و فردا در عرصه عبودیت پروردگار، آن نقطه نهایی تقوای عملی که در واقع بستر امید به لقاء الله است، باید مدنظر قرار بگیرد. خداوند متعال در قرآن، آخر سورة مبارکه فرقان یا کهف می‌فرماید: «... أَنْتُمْ إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَمَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ



که همه اشتیاق ما باید به طرف او باشد. کلمه «الله» از «ال» و «له» تشکیل شده است؛ یعنی آن موجود خاصی که نقطه اشتیاق همه

آرزو باید متوجه چه باشد؟

إلیه،^۱ وقتی وارد مسجدالحرام می‌شوند و چشمشان به کعبه می‌افتد، «یألّهون إلیه» یعنی «یشتاقون إلیه». می‌فهمند این نقطه نقطه اشتیاقشان است و با اشتیاق به طرف کعبه می‌روند.

«أَنْتُمْ إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ» یعنی آن نقطه بالای آرزو و شوق و اشتیاق. «إله» یعنی «من یأله إلیه»، آن کسی که همه اشتیاق آدم به اوست. خدا را هم که إله می‌گویند، به اعتبار این است

خداوند در این آیه می‌فرماید: «أَنْتُمْ إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ». اولاً ادات حصر آورده است: «أَنْتُمْ إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ»؛ إله شما یک إله است. إله یعنی چه؟ این آیه نمی‌خواهد توحید را در عنوان توحید تک‌خدایی برای ما مطرح کند؛ بلکه به معنای لفظ «إله» آیه توجه دارد. «إله» یعنی نقطه اشتیاق و نقطه عشق و نقطه آرزو.

در حدیثی درباره ورود حجاج به مسجدالحرام، امام (ع) می‌فرماید: «یألّهون

و بر خدا توکل کن

و همین بس که خدا مدافع و حافظ انسان باشد

انسان هاست. می‌گوید: «أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌ وَاحِدٌ»
یعنی نقطه اشتیاق شما یک چیز است و آن
خداست.

۱. و فرض علیکم حج بیته الحرام، الذی جعله قبله
للانام... و یألهون إلیه ولوه الحمام. (خداوند زیارت
بیت الحرام خود را که قبله مردمانش قرار داد، بر شما
واجب کرد. آنان... همچون کبوتران [که به آشیانه خود
بازمی‌گردند،] مشتاقانه به آنجا روی می‌آورند) (نهیج
البلاغه، ترجمه محمد دشتی، خطبه ۱، بخش ۸).

خدا؛ نقطه گرایش امید و آرزو

شبی چند بار می‌میرد و زنده می‌شود.^۱
مقام لقاءالله چنین مقامی است. وقتی
انسان به جایی رسید که خدا را دید، یعنی
جوری دلش جذب حق شد مثل کسی
که دارد خدا را می‌بیند، حالت صعقه به
او دست می‌دهد. «إلهی و اجعلنی ممن
نادیته فأجابک و لاحظته فصعق لجلالک.»^۲
مولا(ع) در دعای مناجات شعبانیه می‌گوید:
«من را از کسانی قرار بده که صدایشان زدی
و جوابت را دادند و آن‌ها را ملاحظه کردی و
نظری انداختی و به حالت صعقه درافتادند.»
این مقام لقاءالله است.

در حدیثی، پیغمبر اکرم(ص) فرمودند:
«يقول الله تعالى: إذا كان الغالب علی
عبدی الاشتغال بی...»، وقتی بنده من به
جایی برسد که همه افکار را از دل و مغزش
بیرون کند و فقط به یاد من و مشغول من
باشد، «... جعلت بغیته و لذته فی ذکری...»
من طلب او و لذت او را در یاد خودم قرار
می‌دهم تا از یاد من لذت ببرد. «... فإذا
جعلت بغیته و لذته فی ذکری عشقنی و
عشقتة...»^۳ وقتی لذت این بنده من ارتباط
با من و یاد من شد، من عاشق او می‌شوم و
او هم عاشق من می‌شود.

۱. نک: شیخ صدوق، الأمالی، ص ۱۳۷.
۲. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، مناجات
شعبانیه.
۳. محمد محمدی ری‌شهری، موسوعة العقائد
الاسلامیة، ج ۳، ص ۲۵۰.

امید دارد به خدا برسد، این امید بدون عمل
ممکن نیست. کشاورز وقتی امید به محصول
دارد، زمین را شخم می‌زند، بذر می‌کارد،
آبیاری می‌کند؛ چون امید دارد محصول
برداشت کند. امید او باعث می‌شود این
مقدمات را انجام بدهد. کسی که امید به
لقاءالله دارد، عمل صالح انجام می‌دهد.
تقوای عملی اینجا ایجاد می‌شود؛ یعنی در
امید، بستر تقوای عملی است. عمل مطابق
تقوا و انجام واجبات و ترک محرمات، امید به
لقاءالله را نتیجه می‌دهد.

چه زمانی به خدا می‌رسیم؟ لقاءالله
چیست؟ برای تصویر لقاءالله باید به سراغ
معصوم(ع) برویم. مصداق کامل کسی که به
لقاءالله رسیده، وجود مقدس مولا امیرالمؤمنین
علی(ع) است. نصفه شب فردی اعرابی در خانه
فاطمه زهرا(س) را زد: «السلام علیک یا بنت
رسول الله.» فاطمه(س) نیمه شب مشغول
تهجد بود. فرمود: «بله؟» گفت: «خبری
برایتان آورده‌ام.» فرمود: «خبرت چیست؟»
گفت: «أجرک الله فی مصیبة بعلک. خدا به
شما صبر و اجر بدهد. شوهرت علی مرد.»
فرمود: «یعنی چه که مرد؟! مگر کجا شوهر
مرا دیده‌ای که می‌گویی شوهرم مرد؟!» گفت:
«رد می‌شدم. صدای شیونی از نخلستان بلند
شد. رفتم به طرف صدا. دیدم علی صیحه‌ای
زد و مثل چوب خشکیده نقش بر زمین شد.
علی مرد! آمده‌ام به شما خبر بدهم.» صدیقه
اطهر(س) فرمود: «اگر این مرگ است، علی



«خب اگر انسان آرزویش را متوجه خدا
بکند و به جای پول و مقام و ثروت و لذت، خدا
امید و آرزوی او باشد، سه بستر اینجا وجود
دارد:

۱. بستر آرزو کردن خدا؛
۲. بستر امید به لقاءالله؛
۳. بستر لقاءالله.

آدم آرزوی لقاءالله بکند، آرزوی اینکه به
خدا برسم، این تصویر رسیدن به خدا یعنی در
زندگی‌اش وقتی این آرزو را داشت، به هر جا
برسد، برایش مهم نیست. نه مقام مهم است،
نه قدرت مهم است، نه شخصیت مهم است.
هیچ‌کدام از این‌ها برایش اهمیت ندارد.
آنچه برایش مهم است، این است که به خدا
برسد. فقط باید به خدا برسد و وقتی به خدا
رسید، خودش را آرزوبرآورده می‌بیند. خب
اگر در زندگی، خدا بستر آرزوی انسان بود و
خواست به خدا برسد و لقاءالله را درک کند،
در هر لحظه می‌نشیند و ارزیابی می‌کند که
تا اینجا چقدر به خدا رسیده است. این بستر
آرزوست.

بستر امید این گونه است که وقتی کسی



دُعای عرفه؛ لحظه لقاء الله

کردند تورا تملق کردن و با تو عشق بازی کردن. هم خواسته‌شان را به توی خدا گفتند و هم از توی خدا طلب کردند و هم بندگی‌شان را به درگاه تو عرضه داشتند.

این حالت فردای شما برادران و خواهران در دعای عرفه است؛ مخصوصاً در این سرزمینی که عرفات علی بن موسی الرضا(ع) است. در روایت آمده که خداوند در روز عرفه اول نگاه می‌کند به زائران قبر سیدالشهدا(ع) و بعد به آن‌هایی که در عرفات وقوف کرده‌اند.^۱ خدایا، حائر حسینی با حائر رضوی از نظر تو فرقی نمی‌کند. پروردگارا، آن نگاهی را که به حرم امام حسین(ع) داری، به حرم امام رضا(ع) هم داشته باش. حرم امام رضا(ع) و حرم امام حسین(ع) را به یک چشم نگاه کن. اینجا عرفات علی بن موسی الرضا(ع) است.

خدایا، آخرین آرزو و بالاترین آرمانی که فردا برای ما وجود دارد و از تو طلب می‌کنیم، روشن شدن چشمان ما به جمال دلاری مولایمان بقیة الله است. خدایا فرج مولایمان

فردا روز عرفه، روز این چنین اتفاقی است. در دعای عرفه آن حالت خاصی که پیدا می‌کنید که غیر خدا هیچ چیز برایتان مهم نیست، آنجا فرمایش امام حسین(ع) در دعا را می‌گویید: «ما ذا وجد من فقدک و ما الذی فقد من وجدک؟»^۱ (خدایا، چه کسی را پیدا کرده آن که تو را گم کرده و چه چیزی گم کرده آن که تو را پیدا کرده؟)

آن لحظه‌ای که این حالت وصل به حق و لقاء الله در وسط دعای عرفه برای شما ایجاد می‌شود، آن حالتی است که هم شما عاشق خدایید و هم خدا عاشق شماست. دعای عرفه فردا لحظه عشق بازی شما با خداست. هم شما عاشق خدا می‌شوید و هم خدا عاشق شما می‌شود.

سیدالشهدا(ع) در دعای عرفه می‌فرمایند: «یا من أذاق أحبائه حلاوة المؤانسة فقاموا بین یدیه متملقین.»^۲ (ای خدایی که به دوستانانت شیرینی ارتباط و انس گرفتن با خودت را چشاندی و این‌ها مقابل تو ایستادند و شروع

بقیة الله را تعجیل بفرما.

ارواح مطهر شهدا و روح مطهر امام بزرگوار را از خیرات و برکات اعمال و دعاها و نیایش‌هایمان در امشب و فردا بهره‌مند بگردان.

سایه پربرکت رهبر معظم انقلاب را بر سر ما مستدام بدار.

دشمنان ناپاک مادر جبهه‌های کفر و نفاق و استکبار را ذلیل و نابود و ریشه‌کن بفرما.

.....
۱. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، ص ۲۷۳.
۲. همان.

۳. روی علی بن سباط عن بعض أصحابه عن أبي عبد الله(ع) قال: «إن الله عز وجل يبدأ بالنظر إلى زوار قبر الحسين عليه السلام عشية عرفة قبل أهل عرفات.» قال قلت: «قبل نظره إلى أهل الموقف؟» قال: «نعم...» (شیخ طوسی، مصباح المتهجد، ص ۷۱۵).

خطبة دوم

عباد الله، اوصیکم و اوصی نفسی بتقوی الله. همه شما برادران و خواهران و خودم را به تقوای الهی سفارش می‌کنم.

یوم التروية؛ سرآغاز حرکت اباعبدالله(ع)

سعادت و موفقیت است که این عزیزان مشهدهی ما پیدا کرده‌اند. این کاروان پیاده از امروز به طرف کربلا حرکت کرده‌اند و خیلی هم بجاست؛ چون با امام حسین(ع) هم سفرند.

آقا سیدالشهدا(ع) امروز از منا به طرف کربلا حرکت کردند و این عزیزان هم امروز از منای امام رضا(ع) به طرف کربلا حرکت کردند و در مسیر این سفر هم سفر سیدالشهدا(ع) هستند. ان شاء الله خداوند متعال به همه‌شان

تعدادی از دل‌دادگان سیدالشهدا(ع) امروز سفر پیاده به کربلا برای اربعین را از این شهر آغاز کردند. خوشا به سعادت این عزیزان که ظاهراً در نماز جمعه هم حضور پیدا کرده‌اند و ان شاء الله موفق هستند بر اینکه از الان تا اربعین با پای پیاده از مشهد علی بن موسی الرضا(ع) حرکت کنند و بیابان‌ها و کوه‌ها و دشت‌ها را بپیمایند و اربعین به تربت سیدالشهدا(ع) برسند. این ارزشمندترین



امروز یوم التروية^۱ است. جریان انقلاب امام حسین(ع) از امروز شروع می‌شود. سرآغاز حرکت اباعبدالله(ع) در آن قیام آتشین خونین جهان گیر تا روز فرج و ظهور میوه دلش امام زمان(عج)، یوم التروية است.^۲



ذی‌الحجه از مکه خارج شده‌اند. روایت صحیحی که معاویه بن عمار از امام صادق (ع) نقل کرده است نیز این نظر را تأیید می‌کند. (محمد محمدی ری‌شهری، شهادت‌نامه امام حسین (ع)، ج ۱، ص ۳۴۸).

درباره روز خروج ایشان اختلاف نظر وجود دارد. برخی روز خروج را سوم، برخی هفتم، برخی هشتم و برخی نهم ذی‌الحجه گزارش کرده‌اند؛ ولی قول مشهور و درست‌تر این است که امام (ع) در روز ترویبه یعنی هشتم

اجر بدهد و موفق باشند و مسیر پر خوف و خطر سفر را با همه مشکلات با سلامتی و خوبی طی کنند. نگاه این‌ها به ضریح امام حسین (ع) و سلامی که به اباعبدالله (ع) می‌دهند، با همه سلام‌ها متفاوت است. ان شاء الله در سلام اول ما را هم یاد خواهند کرد.

۱. روز ترویبه به روز هشتم ماه ذی‌الحجه اطلاق می‌شود. در این روز حجاج نیت حج تمتع می‌کنند و محرم می‌شوند و از مکه به سمت منا حرکت می‌کنند. در آنجا شب را بیتوته می‌کنند و صبح عرفه به جانب عرفات رهسپار می‌شوند. طبق روایات، این روز یکی از روزهای ارزشمند سال شمرده می‌شود و آداب و اعمالی مخصوصی دارد.

۲. اینکه امام حسین (ع) در دهه اول ذی‌الحجه از مکه خارج شده‌اند، ظاهراً مورد اتفاق مورخان است؛ اما



میان نوایس و کربلا بدن مرا پاره‌پاره خواهند کرد. «... من کان باذلاً فینا مهجته و موطناً علی لقاء الله نفسہ فلیرحل معنا.» هرکه از شما خون جگرش را در راه خدا بذل کرده و به خودش تلقین کرده که به لقاء الله بپیوندد، با من بیاید.

سیدالشهدا (ع) این حرکت را انجام دادند. به یوم‌الترویبه محمل بیستند
خواتین اندر آن محمل نشستند
مهار ناقه بانوی ذی‌جود
ابر دست طرمح عدی بود
زینب (س) خواست سوار شود. قمر بنی‌هاشم (ع) آمد زانویش را رکاب قرار داد.
آقا سیدالشهدا (ع) آمدند زیر بغل زینب (س) را گرفتند و ایشان با احترام در

حرکت امام حسین (ع) به سمت کربلا

کنند، سؤال می‌کردند و حضرت به آنان هم چیزی نگفت. نزدیک اذان صبح دختر بچه چهارساله را بیدار کردند و گفتند: «رقیه جان، تو بلند شو بیا برویم به کربلا. از کربلا برو شام در خرابه شام نصفه شب سه بار صدا بزن بابا. سرت را بگذار بر زمین. قبر کوچکت هر چه کاخ ستم در دنیا هست، خراب می‌کند.» این بچه را با خود بردند؛ اما به عبدالله مطیع نگفتند تصمیمشان چیست.

حضرت حرکت کردند. به همراهانشان دستور دادند نیت احرام حج را به عمره مفرده برگردانند. برگشتند و در مسجد الحرام، اعمال عمره مفرده را انجام دادند. در مروه تقصیر کردند و آمدند تا رسیدند به مسجد تنعیم. عرض کردند: «آقا، اینجا سرزمین حرم است و محرم به احرام حج هستیم. نمی‌توانیم از حرم بیرون برویم. به ما بگویید کجا می‌روید.» حضرت کنار دیوار مسجد تنعیم ایستاد. پشتش را به دیوار داد و فرمود: «خط الموت علی ولد آدم مخط القلاده علی جید الفتاة، و ما أولهنی إلی أسلافی إشتیاق یعقوب إلی یوسف، و خیر لی مصرع أنا لاقیه، کأنی بأوصالی تقطعها عسلان الفلوات بین النواویس و کربلاء...» گفتند من می‌روم جایی که گرگان گرسنه در سرزمینی

«امروز یوم‌الترویبه است، روز آغاز قیام سیدالشهدا (ع). دیشب نزدیک اذان صبح و سحر، یکی از سیاستمداران آن روز یعنی عبدالله مطیع به در خیمه امام حسین (ع) رفت و شروع کرد با حضرت صحبت کردن: «اگر قصد قیام علیه یزید دارید، موافقت کنید ما در روز عرفه در بیابان عرفات در چادرهای رؤسای قبایل عرب حاضر شویم و برای شما بیعت بگیریم تا در مقابل یزید شکست نخورید.»

به اصطلاح مشاوره سیاسی می‌داد. سیدالشهدا (ع) هم حرفش را شنیدند. بعداً به او خبر رسید که سیدالشهدا (ع) خیمه و خرگاه را کنده‌اند و دارند از حرم خارج می‌شوند. سراسیمه آمد و عرض کرد: «من خدمت شما بودم و تصمیمتان را نگفتم! فردا روز وقوف در عرفات است. شما از کنار عرفات راه می‌افتید و از حرم خارج می‌شوید، با اینکه محرم به احرام حج شده‌اید؟! چرا حرکت می‌کنید؟» هرکس این‌طور سؤال کرد، حضرت گفتند: «اگر می‌خواهید بفهمید، بیایید مسجد تنعیم^۱ در آخر حرم تا بگوییم چرا حرکت کرده‌ام.»

حضرت کاروان را حرکت دادند و به عبدالله مطیع نگفتند تصمیمشان چیست. عده‌ای هم که می‌خواستند در این قیام همراهی

حرکت کردند و از بالای دارالاماره هم بدن بی‌سر مسلم روی زمین پرتاب شد.

۱. مسجد تنعیم یکی از مسجدهای شهر مکه است. این مسجد بر سر راه مدینه به مکه و در مدخل مکه قرار دارد. تنعیم نام منطقه‌ای است در شمال غربی مسجد الحرام که میان مکه و سرف قرار دارد. این منطقه میان دو کوه ناعم و نعیم واقع شده و فاصله آن تا مکه دو فرسخ است. مسجد تنعیم در این منطقه قرار دارد و یکی از میقات‌هاست و نقطه آغازین حرم محسوب می‌شود.

۲. سید بن طاووس، اللهوف فی قتلی الطفوف، ص ۸۰.
۳. ملا حیدر علی اصفهانی، از شعرای بنام هندوستان.

کردند. آن لحظه‌ای که سیدالشهدا(ع) فرمودند: «فانی راحل مصبحا این شاء الله تعالی»، همان لحظه‌ای بود که اولین سرباز کربلا مسلم بن عقیل را بالای دارالاماره برده بودند. از بالای دارالاماره مسلم صدا زد: «السلام علیک یا ابا عبد الله».

به جرم عشق توام می‌کشند و غوغایی است

تو هم برآ به لب بام خوش تماشایی است^۲
امام حسین(ع) از کنار مسجد تنعیم

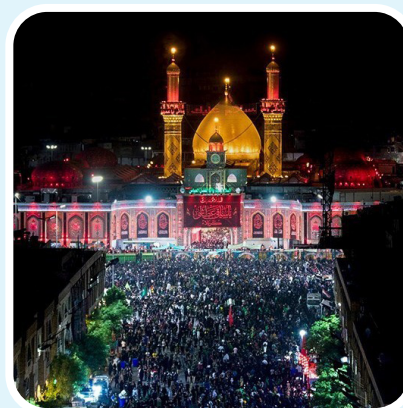
کجاوه نشست و در محمل قرار گرفت. این برنامه امروز زینب(س) بود؛ اما عزیزان، همین زینب(س) در روز یازدهم محرم چطور سوار کجاوه و ناقه شد.

آقا سیدالشهدا(ع) امروز فرمودند: «من کان باذلا فینا مهجته و موطننا علی لقاء الله نفسه فلیرحل معنا فانی راحل مصبحا این شاء الله تعالی».^۲ هرکس می‌خواهد با ما بیاید، ما فردا صبح راه می‌افتیم. صبح عرفه سیدالشهدا(ع) از کنار مسجد تنعیم حرکت

انقلاب اسلامی تداوم انقلاب کربلاست

باید نظام و کشورمان در فضایی کربلایی حفظ بشود. کسانی که می‌خواهند در این کشور زندگی کنند، بدانند آزادی یک آزادی مدیریت‌شده است، آزادی ولنگ‌وباز و بی‌بندوبارانه و بدون مدیریت نیست. چه کسی این آزادی را مدیریت می‌کند؟ این آزادی را عشق به امام حسین(ع) مدیریت می‌کند، دل‌دادگان به اباعبدالله این آزادی را مدیریت می‌کنند. تجاهر به فسق و گناه با فضای کربلایی انقلاب و نظام جمهوری اسلامی جور در نمی‌آید و نمی‌شود در این فضای کشور و نظام، با تظاهر به گناه زندگی کنند.

است؛ بنابراین در این انقلاب و در نظام به‌دست‌آمده از این انقلاب، نمی‌توانیم در برابر جنگ با خدا و جنگ با دین بی‌اعتنا بنشینیم. الان متأسفانه یک عده مردم در این مملکت انقلاب را فراموش کرده‌اند، هشت سال دفاع مقدسی را یاد برده‌اند که بچه‌های این مردم روی پیشانی‌شان نوشتند «عاشق کربلا» و «مسافرخانه کربلا» راه افتادند و رفتند جان دادند و کشور را از تجاوز دشمن حفظ کردند. خیال می‌کنند می‌شود حالا در این فضا آزادانه گناه کنند و تظاهر به گناه داشته باشند. این درست نیست.



برادران و عزیزان، این انقلاب، انقلابی نبود که با آن همه سرمایه‌گذاری، آن روز تمام شود. انقلاب اسلامی ما هم که این نظام را تشکیل داده، مرهون این انقلاب و تداوم انقلاب سیدالشهدا(ع) است که امروز روز شروعش



کردند! اولین جمله‌ای که گفت، این بود: «عمه، معجری بی‌اور تا خودم را از نامحرم حفظ کنم». این فرهنگ ماست. این خانم و دختر بی‌حجاب به این فرهنگ دهن کجی می‌کند و این تجاهر به فسق است.

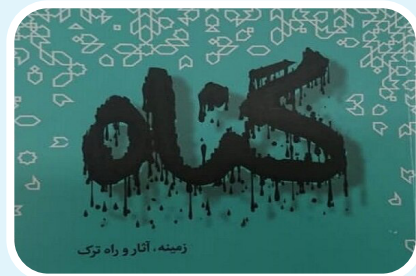
نمی‌شود با زور و تحمیل، افراد را باحجاب کرد

آواره شدند. عده‌ای دنبال آنان بودند تا اموال این بچه‌ها را غارت کنند. اگر گوشواره‌ای به گوش یا لباسی به تنشان بود، این بچه‌ها را می‌گرفتند. ظالمی جلو آمد تا گوشواره طلا از گوش بچه‌ای دریاورد. دید اگر بخواد گوشواره را دریاورد، سخت است. گوشواره را کشید و گوش این نازدانه پاره شد. او غش کرد و روی زمین افتاد. زینب(س) از پشت‌سر آمد و بچه را بلند کرد و به آغوش کشید. او را به حال آورد. تا چشم باز کرد، نگفت: «عمه، گوشواره‌ام را بردند!» نگفت: «گوشم را پاره

امروز «بی‌حجابی» تظاهر به گناه است. باید با حجاب برخورد فرهنگی شود و افراد با فرهنگ باحجاب شوند. هیچ‌کس نمی‌گوید افراد باید با زور و تحمیل باحجاب شوند. افراد باید حجاب را بفهمند و به‌عنوان واجب شرعی، خودشان عمل کنند. بحث مادر «بی‌حجابی» است. بی‌حجابی ناهنجاری و تظاهر به فسق و گناه است. گناه یعنی دهن کجی به کربلا و شهیدای کربلا.

در عصر روز عاشورا وقتی دشمن، لشکر عمر سعد، خیمه‌گاه را آتش زدند، بچه‌ها

بیان پیغمبر (ص) دربارهٔ مقابله با گناه علنی



مثل حکومت امیرالمؤمنین (ع) و پیغمبر (ص) وظیفه دارد در مقابل آن بایستد. این فرمایش رهبر معظم انقلاب است.

قاضی غیور حکمی را برای مراکز عمومی صادر کرده است. مسئولان استان و مدیریت شهری هم به این حکم عمل خواهند کرد و مخالفی ندارد. اختلافی بین مسئولان وجود دارد. اگر بعضی اظهارنظر کردند، در واقع برای این بوده است که این مسئله باید برای مأموران و مجریان آن تعلیم و تبیین شود. خود آقای معاون دادستان هم برای مأموران اجرای حکم برنامهٔ تبیینی گذاشته‌اند؛ اما این حکم شرعی است که باید اجرا شود و جلوی تجاهر به گناه را باید بگیرند.

.....
۱. شیخ حر عاملی، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، ج ۸، ص ۱۳۶.

و مراکز عمومی صورت می‌گیرد. به فرمایش پیغمبر (ص)، این به جامعه آسیب می‌زند. رهبر معظم انقلاب در روز ولادت صدیقهٔ اطهر (س) در سال ۱۳۹۶ در دیدار با مداحان فرمودند: «ما که نگفتیم اگر کسی در خانهٔ خودش در مقابل نامحرم روسری‌اش را برداشت، او را تعقیب می‌کنیم. خیر، او کار شخصی می‌کند. آن کاری که در ملا و خیابان انجام می‌گیرد، کار اجتماعی و عمومی است، یک تعلیم عمومی است. این خطا برای حکومتی که به نام اسلام سر کار آمده است، تکلیف ایجاد می‌کند. حرام، کوچک و بزرگ ندارد. آنچه حرام شرعی است، نباید به صورت آشکار در کشور انجام بگیرد. حالا یک نفر یک غلطی برای خودش می‌کند، آن بین خودش و خداست؛ اما آنچه در مقابل چشم مردم است، در محیط جامعه است، حکومت اسلامی

تشکر می‌کنم از نمایندهٔ محترم دادستان که بنا شده با یک حکم قضایی از این تجاهر به فسق در مراکز عمومی جلوگیری کند. اگر پیغمبر (ص) را قبول دارید، این حرف ایشان است؛ اگر رهبر را قبول دارید، این فرمایش رهبر است. پیغمبر (ص) فرمودند: «إن المعصية إذا عمل بها العبد سرا لم تضر إلا عاملها، فإذا عمل بها علانية ولم يغير عليه أضرت بالامة» (گناه وقتی مخفیانه انجام می‌گیرد، فقط به عامل گناه ضرر می‌زند؛ اما وقتی آشکار انجام بگیرد و کسی جلوی او را نگیرد، اجتماع و مردم آسیب می‌بینند). این بی‌حجابی علنی گناهی است که در ملاعام



این شهر هستید. هویت امام رضا (ع) باید در این شهر حفظ شود. نشان دهید چقدر پای آن هستید و حاضرید کمک کنید.

روز سه‌شنبه ۲۱ تیر ساعت ۱۷:۳۰ عزیزان از میدان شهدا حرکت می‌کنند و در قتلگاه شهدای عفاف و حجاب در ایوان مقصورهٔ مسجد گوهرشاد تجمع می‌کنند و یاد این عزیزان را گرامی می‌دارند.

خدایا، به عزت اولیائت نقطهٔ کمال و نقطهٔ جمع همهٔ امتیازها و شایر و ارزش‌های دینی ما، فرج و ظهور مولایمان بقیة الله، تعجیل بفرما. ارواح مطهر شهدا و روح مطهر امام بزرگوار ما را از پایداری مردم ما پای ستون خیمهٔ این نظام خشنود بگردان.

همه دربارهٔ آن دختر بی‌حجاب دغدغه داریم

باران تیره‌های زهرآلود و نگاه‌های مردان هرزه دارد به او آسیب می‌زند. او مثل دختر خودم است که دربارهٔ او دغدغه و نگرانی دارم. این حرف خود ما و رهبر هم هست. واقعاً دغدغه داریم دربارهٔ این افراد. این بیان دغدغه است، نه تأییدی حجابی.

دستگاه حکومتی قوهٔ قضاییه آمد وسط و معاون دادستان حکم قضایی صادر کرد. بقیه‌اش به شما مردم مربوط است. در این کشور و نظام، هر چه مردم خواستند، می‌شود. مردم نخواستند باشند، نمی‌شود. بقیه‌اش مربوط به شما مردم است. روز ۲۱ تیر روز عفاف و حجاب و سالروز شهادت شهدای مظلوم در مسجد گوهرشاد برای حفظ حجاب و عفاف است. در این راه‌پیمایی که از میدان شهدا برگزار می‌شود، شما برادران و خواهران نشان دهید چقدر به دنبال ترک منکر و نهی از تجاهر به فسق در

بعضی‌ها جمله‌ای نقل می‌کنند از شهید بزرگوار سردار شهید حاج قاسم سلیمانی که فرمودند: «آن دختر بی‌حجاب مثل دختر خودم است.» معنای این جمله چیست؟ آیا معنای این جمله این است که بی‌حجابی دختر بی‌حجاب را می‌پسندم؟ از بی‌حجابی‌اش مثل دختر خودم خوشم می‌آید؟ یا معنای جملهٔ مرحوم حاج قاسم سلیمانی این است که دغدغه و اضطرابی که دربارهٔ این دختر بی‌حجاب دارم، مثل دغدغه و اضطراب خودم دربارهٔ دختر خودم است؟ دختر حاج قاسم و خانوادهٔ ایشان که هم چادری هستند و هم با حجاب. نه اینکه از بی‌حجابی حمایت می‌کنم. یعنی او در معرض خطر و آسیب است.

این دختر بی‌حجاب به عنوان ناموس مردم در معرض تیر نگاه‌ها قرار گرفته و مثل بچهٔ من است و رفته وسط میدانی که تیر و شمشیر و



آینده فرزندانمان را با مسجد بسازیم



سایت مرکز رسیدگی به امور
مساجد استان های خراسان
Masjedkh.ir



مرکز رسیدگی به امور مساجد
استان های خراسان



سایت آیت الله علم الهدی
Alamolhoda.com